

مهاجرتهای داخلی و میزان شهرنشینی در قاره آسیا و آفریقا «مطالعه موردی ایران»

اسماعیل مجدآبادی

در سالهای پس از جنگ دوم جهانی ، جمعیت دو قاره آسیا و آفریقا ، که بخش عظیمی از جمعیت کره زمین در آنها ساکنند به سرعت افزایش یافته است. رشد سریع جمعیت در این دو قاره مربوط به آن دسته از کشورهاست که از نظر اقتصادی و اجتماعی توسعه نیافته اند و کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم نامیده می شوند.

سرعت افزایش جمعیت در این دسته از کشورها از نیمه دوم قرن بیستم آنچنان سریع بوده که عملاً هر نوع برنامه ریزی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی را خنثی کرده است. علی رغم برنامه ریزی های انجام شده دولتها در اکثر کشورهای در حال رشد متأسفانه در این دو قاره پیشرفت زیادی در زمینه های اساسی توسعه ، یعنی در بخشهای سه گانه کشاورزی ، صنعت و خدمات ، مشاهده نمی شود و روزبه روز بر مشکلات اقتصادی ، اجتماعی افزوده می شود و سطح زندگی پائین می آید.

علاوه بر رشد سریع جمعیت که سالانه بین ۲ تا ۴ درصد در نوسان است آنچه برنامه

ریزیهای توسعه در این سمالک را با اشکال بیشتری مواجه می کند عدم تعادل فزاینده در توزیع جغرافیایی جمعیت است. افزایش سریع جمعیت شهری که معلول گرایش شدید به شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به مناطق شهری است، در دهه های اخیر موجب شده است که مشکلات عدیده ای، هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی به وجود آید. عدم وجود برنامه ریزی صحیح و همه جانبه موجب شده است که قسمت عمده امکانات محدود این کشورها، در مناطق شهری و خاصه در تعداد معدودی از شهرها متمرکز گردد، و به دنبال آن هجوم جمعیت به طرف این شهرها صورت گیرد.

در سال ۱۹۶۰ حدود ۳ درصد و در سال ۱۹۸۰ نزدیک به ۴ درصد از جمعیت جهان ساکن شهرها بوده اند. بر اساس برآورد سازمان ملل، تا پایان قرن بیستم میزان شهرنشینان جهان به حدود ۵۰ درصد خواهد رسید. سرعت شهرنشینی در جهان موجب افزایش شمار شهرها، و پیدایش شهرهای بزرگ، در اقصی نقاط جهان گردیده است. در سال ۱۹۵۰ تعداد شهرهای بیش از ۵ میلیون نفر در کل جهان از ۶ شهر تجاوز نمی کرد، (نیویورک، لندن، پاریس، توکیو، شانگهای و مجتمع صنعتی راین-رودهر در آلمان) در صورتی که در حال حاضر این رقم به ۲۶ شهر افزایش یافته است و پیش بینی می شود تا پایان قرن بیستم به حدود ۶۰ شهر برسد. شایان ذکر است که طبق این پیش بینی، تنها ۱۲ شهر از این تعداد در کشورهای پیشرفته و بقیه در کشورهای در حال توسعه ایجاد خواهند شد.

در فاصله زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه تا ۶۵ میلیون نفر افزایش یافته است و بررسیهای انجام شده سازمان ملل در مورد ۱۲۶ کشور از کشورهای جهان سوم (به استثناء کشورهای صادرکننده نفت) در سال ۱۹۸۳، حاکی از آن است که به جز سه کشور جزیره ای (باربادوس - مالت و نائورو) در بقیه کشورها توزیع جمعیت، نامناسب بوده است.

مطالعات انجام شده سازمان ملل متحد در مورد ۲۹ کشور در حال توسعه منعکس کننده این امر است که نزدیک به ۶ درصد افزایش جمعیت شهرها معلول رشد طبیعی آنهاست. به عبارت دیگر ۴ درصد از افزایش جمعیت شهرهای مورد بررسی نتیجه مهاجرت های داخلی بوده است. که مسلماً بخش مهمی از آن اختصاص به مهاجرت های روستایی دارد، مهاجرت های روستایی در کشورهای در حال رشد فقط مربوط به جاذبه های مناطق شهری و خاصه شهرهای بسیار توسعه یافته نیست، بلکه به کمبود امکانات و محرومیتها در مناطق روستایی نیز بستگی زیاد دارد. پایین بودن سطح بهداشت و درمان، فقدان زمین کافی برای کشت، عدم وجود درآمد لازم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی، از عوامل بنیادی هستند که روستاییان فقیر را تشویق و به عبارت بهتر مجبور به مهاجرت به طرف شهرها می کنند.

طبق بررسی‌های انجام شده، بیش از ۸۰ میلیون خانواده روستایی در این کشورها برای امرارمعاش خانواده خود کمتر از ۲ هکتار زمین در اختیار دارند و گروه کثیری اجاره‌دار و بی‌افاق زمین زراعی بوده‌اند و در زمین دیگران به کار اشتغال داشته‌اند. در کشورهای آسیای جنوب غربی هنوز بخش مهمی از جمعیت در روستاها ساکن است و با میزان رشد در حدود ۳ درصد به سرعت افزایش می‌یابد.

جمعیت شهری اکثر کشورهای این منطقه از آسیا بارشد بیش از ۴ درصد در حال گسترش است. بررسی‌های انجام شده در برخی از کشورهای نظیر اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند منعکس کننده این واقعیت است که گسترش جمعیت شهری این کشورها در سالهای اخیر با مشکلات عدیده‌ای در زمینه خدمات شهری نظیر آب، برق، تلفن، بهداشت، درمان و مسکن همراه بوده است. مشکلات مسکن در این کشورها از اهمیت مسایل شهری به حساب می‌آید. افزایش تراکم در واحدهای مسکونی در شهرهای بزرگ این ممالک و گسترش حاشیه‌نشینی و کپرنشینی و توسعه حلبی‌آباد در سالهای اخیر امری عادی محسوب می‌شود.^۲

وضعیت کشورهای آسیای جنوب شرقی به مراتب بدتر و اسفندناکتر است در هند، پاکستان، بنگلادش، دو یاسه خانوار جمع می‌شوند و در مساکنی که بیش از یک یادو اتاق بیشتر ندارد با هم زندگی می‌کنند. زیرا تهیه مسکن در شهرهای بزرگ بسیار مشکل و بیش از نیمی از درآمد خانواده‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. به ناچار بخش عظیم جمعیت برای گریز از هزینه سنگین مسکن، مشترکاً در واحدهای مسکونی با امکانات محدود، زندگی می‌کنند.

در بمبئی هند در فصل تابستان مصرف انرژی برق در کنترل شدید دولت قرار دارد. پس از غروب آفتاب تمام مغازه‌ها در مراکز شهر بمبئی موظف به رعایت خاموشی و عدم استفاده از انرژی برق هستند. فقط رستورانها و برخی از مکانهایی که عموم مردم با آن سروکار دارند با دریافت مجوز قبلی و پرداخت مالیات سنگینی به دولت مجاز به استفاده از برق هستند. البته محدودیتی برای منازل شخصی وجود ندارد، ولی عملاً در طول روز به نوبت برق منطقه‌ای از شهر قطع می‌شود.

شهر بمبئی از نظر آب آشامیدنی تصفیه شده، دچار مشکلات فراوان است. زیرا به علت گسترش شهر و استفاده‌های غیرقانونی از کانالهای لوله‌کشی در محله‌های فقیرنشین و دورافتاده آب تصفیه شده لوله‌کشی مورد اطمینان نیست و حتماً باید آن را قبل از شرب جوشاند. از سوی دیگر به علت گسترش بی‌تناسب شهر از نظر جغرافیایی، دولت قادر به کنترل دقیق مسیرهای آب لوله‌کشی نیست. فشار آب نیز کم است لذا در طول هفته به نوبت هر روز آب منطقه‌ای از شهر قطع می‌شود تا امکان رساندن آب به مناطق دیگر فراهم شود.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که سهاجرت روستاییان به شهرهای هندوستان

پس از سالهای ۱۹۷۰ با سرعت و حجم بیشتری صورت گرفته است. براساس یک آمار غیررسمی بیش از ۵ میلیون نفر از مهاجران روستایی در حاشیه شهرهای مختلف هند در وضعیت بسیار نامناسبی، در کنار خطوط راه آهن، پیاده روی خیابانها، داخل ایستگاههای قطار و هر جا که سرپناهی باشد شب را به روز می‌رسانند. این افراد ولگردهای خیابانی نیستند، بلکه خانواده‌هایی هستند که روستا را ترک کرده، و به امید زندگی بهتر راهی شهرهای بزرگ شده‌اند. سیمای شبانه شهرهای بمبئی، کلکته و دهلی پس از غروب آفتاب به علت بیتوته این مهمانان ناخوانده در پیاده روی خیابانها و ایستگاههای قطار دگرگون می‌شود.^۳

کمبود امکانات بهداشتی و درمانی در مناطق روستایی این کشورها به حدی است که از هر ۱۰۰ نفر نوزاد زنده متولد شده، نزدیک به ۱۵۰ نفر آنها قبل از یک سالگی جان می‌سپارند.^۴

شایان ذکر است که بیماریهای این کودکان با واکسیناسیون قابل کنترل است و می‌توان از مرگ آنها جلوگیری کرد. بخش مهمی از تلفات مربوط به مناطق روستایی این کشورهاست. کارشاق، شرایط نامناسب تغذیه و فقدان امکانات بهداشتی و درمانی کافی در مناطق روستایی کشورهای جهان سوم موجب شده است که، جمعیت این کشورها مبتلا به مرگ و میر زودرس شوند. امید زندگی در لحظه تولد یا عمر متوسط، در مناطق روستایی این کشورها از ۵ سال تجاوز نمی‌کند، و در موارد بسیاری از این سطح هم پایینتر است وضعیت روستاییان اندونزی، فیلیپین، هند، پاکستان، بنگلادش، نپال و افغانستان، نمونه‌های بارزی در این زمینه در قاره آسیا هستند.

سهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال رشد در قرن بیستم پدیده‌ای است که با آنچه در زمانهای قبل صورت می‌گرفته است تفاوت بسیار دارد. زیرا، رشد شگفت انگیز صنعت در این قرن و تمرکز مراکز صنعتی در تعداد معدودی از شهرها که مسلماً ملازم با ایجاد بازار اشتغال است، از یک سو و تمرکز امکانات بهداشتی، درمانی، فرهنگی و غیره از سوی دیگر موجب شده است که جمعیت شهرها به سرعت افزایش پیدا کند و محدوده جغرافیایی آنها بدون تناسب گسترش یابد و مشکلات عدیده‌ای در امور اقتصادی - اجتماعی زندگی شهری به وجود آید. در زمینه مشکلات فوق، می‌توان از کاهش شدید سطح بهداشت و درمان گرفته تا آلودگی محیط زیست و نارساییهای خدماتی در زمینه آب، برق، تلفن، ترافیک، مسکن و غیره نام برد. شهرهای بمبئی و کلکته در هندوستان، جا کارتا در اندونزی، لاگوس در نیجریه، قاهره و اسکندریه در مصر، خارطوم در سودان، دمشق و شام در سوریه، بانکوک در تایلند، سائوپولو در برزیل، مکزیکو در مکزیک، تهران، مشهد، اصفهان، تبریز در ایران از نمونه شهرهایی در کشورهای جهان سوم هستند، که قسمت مهمی از امکانات مختلف موجود در کشورهایشان را در خود جذب

کرده‌اند، لذا سالانه از اقصی نقاط این کشورها خیل عظیم مهاجران به سمت شهرهای فوق در حرکت است.

بررسی‌های انجام شده حاکی از این واقعیت است که جمعیت شهری کشورهای درحال توسعه به‌طور متوسط بارشد سالانه‌ای حدود ۴ درصد روبه‌افزایش است. در حالی که درپایتختها و شهرهای بزرگ و مرکزی این کشورها این افزایش به‌سبب مهاجرت‌گاهی به ۲ یا ۳ برابرهم می‌رسد که خود نشان شتاب بسیار درآهنگ افزایش جمعیت این شهرهاست.^۶ به‌عنوان مثال جمعیت لاگوس درطول سالهای ۱۹۷۰ ده درصد افزایش داشته‌است و جمعیت شهرهای جا کارتا، مکزیکو، خارطوم و سائوپولو از سالهای ۱۹۵۰ به این طرف تقریباً چهاربرابر شده است.^۷

افزایش سریع جمعیت بمبئی نمونه بارز دیگری است. جمعیت $۲/۷$ میلیون نفری بمبئی در سالهای ۱۹۴۸، به بیش از ۶ میلیون نفر در سال ۱۹۷۱ رسیده است و سازمان ملل آن را در سال ۲۰۰۰ به رقمی حدود ۱۶ میلیون نفر برآورد کرده است.^۹

افزایش سریع جمعیت شهرهای چین از ۱۸ درصد در سال ۱۳۴۴ به ۵۰ درصد در سالهای ۱۳۶۷ و هندوستان از ۱۹ درصد به ۲۷ درصد، فیلیپین از ۳۲ درصد به ۴۱ درصد، جمهوری کره از ۳۲ درصد به ۶۹ درصد و عراق از ۱۵ درصد به ۷۳ درصد در فاصله زمانی فوق‌الذکر نمایشگر سرعت شدید درافزایش میزان شهرنشینی در کشورهای جهان سوم در آسیاست. که بخش مهمی از آن ناشی از مهاجرت‌های روستایی است.^{۱۰}

درافریقا که بخش مهمی از جمعیت کشورهای آن (حدود ۷۰ درصد) در روستاها زندگی می‌کنند. در دو دهه اخیر به‌علت عدم ارتقاء سطح زندگی و سلطه فقر به‌معنای واقعی و در ابعاد مختلفش حرکت روستاییان به مناطق شهری به‌سرعت افزایش یافته است و شهرها به سرعت در حال گسترش هستند. به‌عنوان مثال در فاصله زمانی ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۷، جمعیت شهری زئیر از ۲۶ به ۳۹ درصد، نیجریه از ۱۷ به ۳۴ درصد، سودان از ۱۳ به ۲۱ درصد و کشور مغرب از ۸ به ۱۳ درصد افزایش یافته است. که براساس یک بررسی کلی نزدیک به ۶۰ درصد افزایش جمعیت شهری این کشورها ناشی از مهاجرت‌های روستایی است.^{۱۱}

به‌طوری که ملاحظه می‌شود گسترش جمعیت و وسعت شهرها در کشورهای جهان سوم در دهه‌های اخیر تقریباً پدیده‌ای است عام که اختصاص به یک کشور ندارد و سهم مهمی از آن ناشی از مهاجرت‌های روستایی است.

در این مقاله هدف ما مطالعه مهاجرت‌های داخلی و روند تغییرات و رشد شهرنشینی در ایران و مقایسه آن با برخی از کشورهای جهان سوم در قاره آسیا و آفریقا است، تا علل و عوامل اقتصادی و اجتماعی رشد شهرنشینی در ایران به‌صورت اساسی‌تر مورد بررسی قرارگیرد و موقعیت ایران در بین کشورهای جهان سوم مشخص گردد. در این رهگذر سعی شده است با استفاده از

تجارب سایر کشورهای جهان سوم پیشنهاداتی برای کنترل این نوع حرکات داخلی جمعیت که در دهه های اخیر یکی از مشکلات جمعیتی اکثر کشورهای جهان سوم است ارائه شود. در این بررسی ضمن استفاده از سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در ایران و برآوردهای سازمان ملل، به عنوان منبع اصلی اطلاعات در محاسبات و تجزیه و تحلیلها از تحقیقات مختلفی که سازمان برنامه و بودجه، دانشگاه شیراز، دانشگاه تهران و برخی از کشورهای جهان سوم انجام داده اند، نیز بهره جسته ام.

قبل از پرداختن به مسئله مهاجرت های داخلی و شهرنشینی در ایران لازم است به بحثی بسیار اجمالی در مورد تعریف شهر مبادرت شود.

به راستی شهر چیست؟ و روستا کدام است؟ بسیاری از کشورهای جهان برای تمیز شهر ازده ارزش عددی را ملاک قرار داده اند. مثلا کانادا و ونزوئلا سکونت بیش از هزار نفر، دانمارک و سوئد و فنلاند و فرانسه و بیشتر کشورهای اروپایی دو هزار نفر و ایالات متحده امریکا بیشتر از دو هزار و پانصد نفر و ایران و کشور غنا بیشتر از پنج هزار نفر و سرانجام یونان ده هزار نفر و کشور مصر رقم بیشتر از یازده هزار نفر را کافی می دانند. تمام مکانی را شهر بنامیم. بسیاری از جامعه شناسان بر این عقیده هستند که این ملاک به تنهایی تعیین کننده شهر نمی تواند باشد، زیرا در برخی از کشورهای جهان سوم به نقاطی برخورد می کنیم که جمعیت بسیار زیادی دارند اما از سایر خصوصیات شهری در آنها خبری نیست. برخی دیگر از جامعه شناسان شاخص ملاک تراکم حسابی جمعیت^{۱۲} را پیشنهاد کرده اند که به نظر می رسد با توجه به تنوع حجم جمعیت در کشورهای مختلف ملاک دقیقی نیست.

والترویلکاکس Walter Willcox^{۱۳} علاوه بر تراکم جمعیت، عوامل شغل را نیز به عنوان خصیصه اصلی در تمایز شهر از روستا بیان می کند. او معتقد است منطقه ای روستایی است که اکثریت جمعیت فعال آن به شغل کشاورزی اشتغال داشته باشند در حالی که شهرها مکانهایی هستند که در آنها فعالیت کشاورزی وجود ندارد. جامعه شناس دیگری که در این زمینه اظهار نظر کرده است مولر لیر Muller Lier^{۱۴} است که شهر را از نظر «کار کردی» مورد توجه قرار می دهد و معتقد است: شهر «محل تجمع گروهی از انسانهاست که به فعالیت های ویژه ای می پردازند». بنابراین کارکرد عمده برخی از شهرها اداری است نظیر شهر واشنگتن در آمریکا و پاره ای از شهرها اساساً کارکرد عملی و آکادمیک دارند مانند شهرهای دانشگاهی کمبریج یا بوستن در ایالت ماساچوست و یا برکلی در ایالت کالیفرنیا.

زومبارت W. Sombart^{۱۵} شهر را محیطی می داند که مردم آن بایکدیگر بیگانه هستند و همدیگر را نمی شناسند. جغرافی دانان هم سعی کرده اند شهر را از دیدگاه خود تعریف کنند. آنها به دو دسته جغرافی دانان فیزیکی و اقتصادی تقسیم می شوند. جغرافی دانان فیزیکی

بیشتر توجهات خود را معطوف به سیمای فیزیکی شهرها می کنند و معتقدند شهر مجموعه ای است از مصنوعات ساخته شده به دست انسان نظیر: بناها و ساختمانهای بلند، خیابانها، تأسیسات و غیره. در حالی که جغرافی دانان اقتصادی بیشتر به جنبه های تجاری و بازرگانی شهرها توجه دارند و مکانی را شهر می دانند که مرکز تبادلات و دادوستدهای تجاری و بازرگانی است. در مجموع آنها نیز نتوانسته اند تعریف جامعی برای شهر ارائه کنند زیرا شهر را نمی توان فقط از دیدگاه اقتصادی یا فیزیکی مورد مطالعه قرار داد و به جنبه های اجتماعی آن توجه نداشت.

زیمرسن Zimmerman و سوروکین Sorokin^{۱۶} هشت خصیصه را برای تمیز شهر از ده عنوان کرده اند که از بین آنها شغل ملاک اصلی است. به نظر آنها شهر جایی است که اکثریت ساکنانش به فعالیتهای غیر کشاورزی اشتغال دارند.

با توجه به تعاریف فوق به طور کلی باید گفت به علت «کارکردهای» مختلف و چند بعدی بودن شهر، نمی توان یک ملاک را دال بر شهری یا روستایی بودن مکانی دانست و باید مجموعه ای از شاخصهای فوق را به منظور تمیز شهر از ده مورد استفاده قرار داد. در این رهگذر، اندازه جمعیت از دیدگاه جمعیت شناسان و آماردانان، شغل و فعالیت اقتصادی از دیدگاه جامعه شناسان اقتصادی جنبه های کارکردی از دیدگاه جامعه شناسان فونکسیونالیستی و سیمای فیزیکی شهرها از نظر جغرافی دانان از اهم ملاکهایی است که جمعاً می تواند در تمیز شهر از روستا مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، تعریف شهر و ضوابط تعیین شده برای نقاط شهری در سرشماریهای مختلف متفاوت بوده است. در سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ کلیه مراکز شهرستانها (بدون در نظر گرفتن جمعیت آنها) و نقاطی که جمعیت آنها به هنگام سرشماری پنج هزار نفر و بیشتر بوده است شهر گزارش شده اند. ولی در آخرین سرشماری، یعنی در سرشماری، ۱۳۶۵ ایران، کلیه نقاطی که دارای واحد اداری شهرداری بوده اند نیز شهر محسوب شده اند (بدون توجه به تعداد جمعیت آنها^{۱۷}). بنابراین در حال حاضر در ایران مکانی شهر محسوب می شود که دارای شهرداری باشد بر اساس تصمیمات اتخاذ شده، در آینده شهرداری در نقاطی ایجاد خواهد شد که حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد. لذا شاید بتوان ملاک شهر را برای ایران از این به بعد داشتن جمعیت حداقل ده هزار نفر تلقی کرد.

وضعیت ایران

بر اساس نخستین سرشماری ۱۳۳۵، جمعیت ایران ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر گزارش گردیده است. بر طبق اطلاعات حاصل از این سرشماری، در سال ۱۳۳۵ تعداد ۶۰۰۰۶۴۳ نفر در نقاط شهری و ۱۲۹۵۴۰۶۱ نفر در روستاها می زیسته اند. به این ترتیب میزان شهرنشینی در سال

جدول ۱: توزیع جمعیت ایران برحسب نقاط شهری و روستائی و به تفکیک جنس
براساس سرشماریهای عمومی کشور در دوره زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵

شرح	جمع	جمعیت		درصد به نسبت جنسی کل جمعیت عمومی ^۱
		مرد	زن	
کل کشور				
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۹۶۴۴۹۴۴	۹۳۰۹۷۶۰
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۳۵۵۸۰۱	۱۲۴۳۲۹۲۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۷۳۵۶۳۴۷	۱۶۳۵۲۳۹۷
۱۳۶۵ ^۲	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۵۲۸۰۹۶۱	۲۴۱۶۴۰۴۹
نقاط شهری ^۳				
۱۳۳۵	۶۰۰۰۶۴۳	۳۰۹۴۲۵۴	۲۹۰۶۳۸۹	۳۱/۷
۱۳۴۵ ^۴	۹۷۹۹۲۷۷	۵۱۱۰۶۲۸	۴۶۸۸۶۴۹	۳۸
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۸۲۹۱۴۵۱	۷۵۶۳۲۲۹	۴۷
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۱۳۷۶۹۶۱۷	۱۳۰۷۴۹۴۴	۵۴/۳
نقاط روستائی ^۵				
۱۳۳۵	۱۲۹۵۴۰۶۱	۶۵۵۰۶۹۰	۶۴۰۳۳۷۱	۶۸/۳
۱۳۴۵	۱۵۹۸۹۴۴۵	۸۲۶۵۰۷۵	۷۷۲۴۳۷۰	۶۲
۱۳۵۵	۱۷۸۵۴۰۶۴	۹۰۶۴۸۹۶	۸۷۸۹۱۶۸	۵۳
۱۳۶۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۱۱۳۸۴۴۸۳	۱۰۹۶۴۸۶۸	۴۵/۲

۱- نسبت جنسی عمومی از تقسیم جمعیت مرد به جمعیت زن و ضربدر ۱۰۰ محاسبه شده است.
۲- در سرشماری ۱۳۶۵ جمعیت غیر ساکن مستقل از نقاط شهری و روستائی است و فقط در جمعیت کل کشور منظور شده است.

۳- برای تشخیص نقاط شهری به تعریف شهر رجوع شود.

۴- در سرشماری ۱۳۴۵ شهر زواره با جمعیت ۳۱۰ نفر به علت تأخیر در اعلام نتایج سرشماری بحساب نقاط روستائی آورده شده بود که در جدول فوق اصلاح و بحساب نقاط شهری منظور گردید.

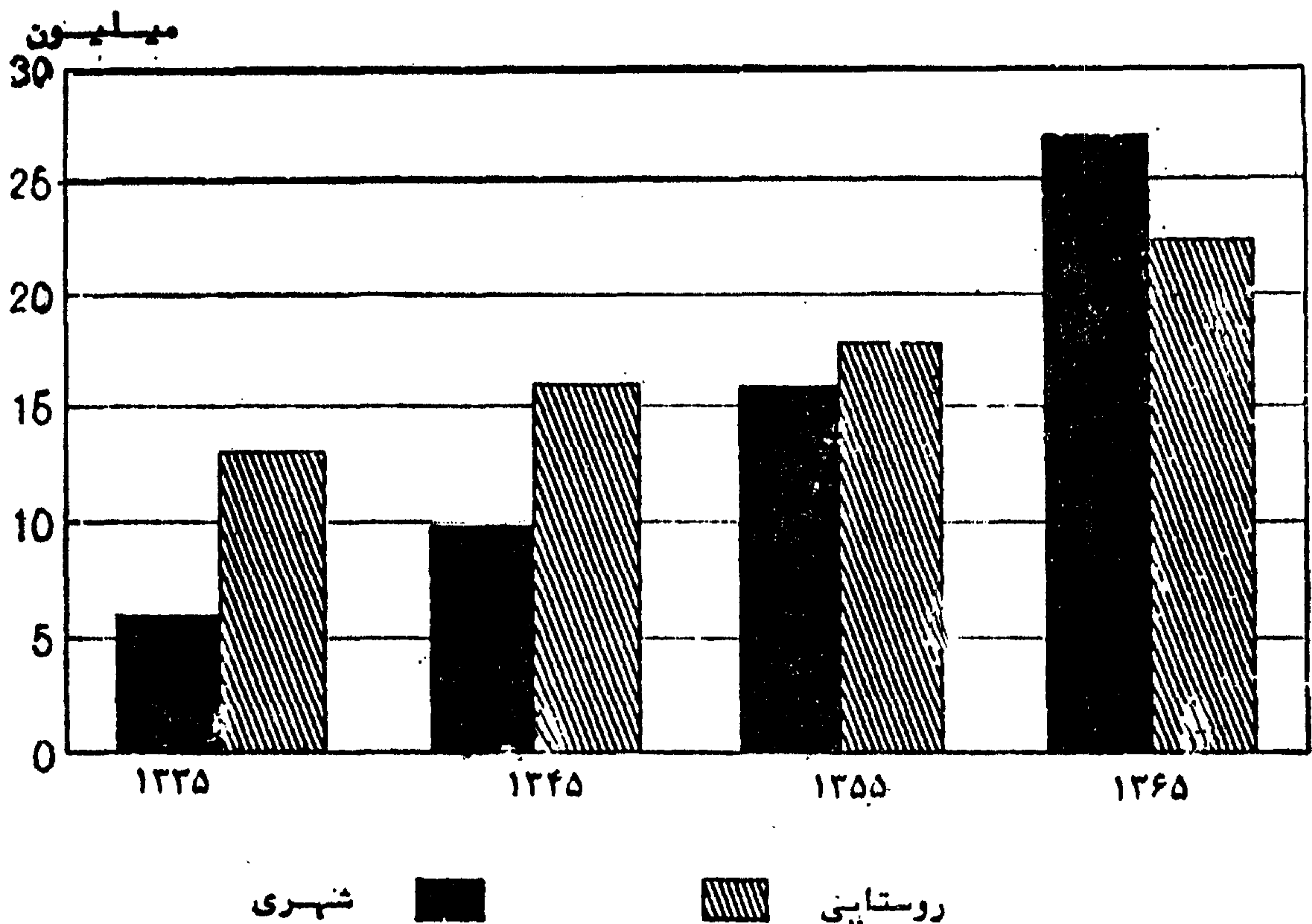
۵- جمعیت غیر ساکن در سرشماری ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ جزء مناطق روستائی منظور گردید است.

مأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ایران، جزوه های کل کشور برای سالهای

۱۳۳۵، ۳۱/۷ درصد محاسبه می‌شود. براساس جدول شماره ۱، در فاصله ۳ سال یعنی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ تعداد جمعیت شهرنشین ایران از ۶۰۰۰۶۴۳ نفر به ۲۶۸۴۴۵۶۱ نفر افزایش یافته و به عبارت دیگر میزان شهرنشینی از ۳۱/۷ درصد به ۴۰/۳ درصد رشد کرده است. با نگاهی به جمعیت روستایی کشور در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود که علی‌رغم افزایش حجم جمعیت روستایی در فاصله ۳ سال از اولین تا آخرین سرشماری ۱۳۶۵، نسبت آن در کل جمعیت از ۶۸/۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۴۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است. مشاهده این روند کاهش بالنسبه زیاد نسبت جمعیت روستایی و به عبارت دیگر افزایش مستمر میزان شهرنشینی در ایران را در فاصله سرشماریها منعکس می‌سازد. روند ترکیب جمعیت نقاط شهری و روستایی کشور در سرشماریها، در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.

نمودار ۱

جمعیت نقاط شهری و روستایی کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵



ماخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ایران

مسئله مورد توجه در این قسمت توجه به تعریف شهر در سرشماریهای ایران است. بسیاری از نقاط ایران در سرشماریها شهر تلقی شده‌اند که در حقیقت دارای خصوصیات و ویژگیهای شهری، آنطور که در تعریف شهر آمده است و در صفحات قبل به اجمال از آن سخن گفته شد نیستند. بنابراین قسمتی از افزایش جمعیت شهری ایران در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ مربوط به روستاهایی است که جمعیت آنها از مرز ۵ هزار نفر گذشته است، بدون اینکه تغییرات بنیادی در فعالیت اقتصادی جمعیت شاغل آن و یادگرگونی در سیمای جغرافیایی منطقه ایجاد شده باشد. در سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ ایران، به ترتیب تعداد ۱۳، ۲۲، ۶، ۸۴ مکان دارای جمعیتی حتی کمتر از ۵ هزار نفر بوده‌اند که فقط به دلیل مرکز شهرستان بودن و یا داشتن اداره شهرداری جزو نقاط شهری کشور محسوب شده‌اند.

بر اساس آمارهای منتشر شده مرکز آمار ایران، تعداد شهرهای حداکثر تا ۱۰ هزار نفر جمعیت در فاصله سرشماریهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ از ۱۰۳ شهر به ۱۹۷ شهر افزایش یافته‌اند. کاملاً واضح است که تعداد زیادی از این نقاط، بدون تغییر و دگرگونی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی محل، فقط به دلیل گذشتن جمعیتشان از مرز ۵ هزار نفر و یا به دلیل مرکز شهرستان بودن و یا داشتن واحد اداری شهرداری، به شهر تبدیل شده‌اند، بدون اینکه تغییری اساسی در آنها رخ داده باشد.

به منظور بررسی وضعیت شهرنشینی در ایران جمعیت نقاط شهری کشور بر اساس حجم جمعیت به هشت گروه طبقه‌بندی شده و تغییرات آنها از نظر تعداد جمعیت و شمار شهرها در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ مورد مطالعه گرفته است (جدول شماره ۲).

آمار ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در فاصله نخستین سرشماری سال ۱۳۳۵ تا آخرین سرشماری ۱۳۶۵، تعداد شهرهای ۱۰ تا ۲۰ هزار نفری از ۶ شهر به ۱۴۵ شهر، و شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفری از ۲۲ به ۶۷ شهر، یعنی تقریباً سه برابر افزایش یافته است. شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری نیز در فاصله زمانی فوق‌الذکر بسیار افزایش یافته‌اند، بدین ترتیب که از ۹ شهر در ۱۳۳۵ به ۴۶ شهر در ۱۳۶۵ رسیده‌اند. شهرهای ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفری از ۶ شهر به ۲۵ شهر (بیش از چهار برابر)، شهرهای ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری چهار برابر و شهرهای ۵۰۰ هزار نفری و بیشتر، ۸ برابر افزایش یافته‌اند. توزیع جمعیت شهری ایران بر حسب ابعاد جمعیتی شهرها در طبقه‌بندیهای خاص به تفکیک سرشماریها، در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.

بررسی آمار فوق نشان این واقعیت است که مهاجرت‌های داخلی در ایران منحصر به حرکت روستاییان به شهرهای نزدیک روستا نمی‌شود، زیرا افزایش بسیار مستمری در تعداد تمام شهرها، با هر اندازه و هر طبقه، مشاهده می‌شود. در توجیه این مسئله باید گفت، درست

است که حرکت اولیه روستاییان به سمت شهرهای نزدیک روستاست، ولی همین شهرها هستند که در مرحله بعدی شهرهای بزرگ را تغذیه خواهند کرد. بنابراین مهاجرت‌های داخلی در ایران اختصاص به حرکت روستاییان به شهرهای نزدیک روستا ندارد، بلکه سالانه ده‌ها هزار نفر از شهرهای کوچک و بزرگ نیز به طرف شهرهای توسعه یافته تر در حرکت هستند، که البته تهران و سایر شهرهای توسعه یافته نظیر تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و... به علت برخوردار بودن از ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی برتر، سالانه حجم بسیاری از این مهاجران را پذیرا هستند. در حقیقت، مهاجرت‌های داخلی در کشورهای جهان سوم و از جمله در ایران به معنی حرکت جمعیت از نقاط محروم به سمت مناطقی است که توسعه یافته تر هستند.

بامشادنده آمار جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که شهرهای ۱۰۰ هزار نفری و بیشتر در سال ۱۳۳۵ در ایران ۹ شهر بوده‌اند که در سال ۱۳۵۵ به ۲۳ شهر و در سال ۱۳۶۵ به ۱۴ شهر افزایش یافته‌اند. به عبارت دیگر در فاصله ۳۰ سال از نخستین تا آخرین سرشماری سالانه تقریباً یک شهر به شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفری در ایران اضافه شده است، که خود حاکی از گرایش شدید جمعیت ایران به شهرنشینی و سرعت بسیار در گسترش شهرهای بزرگ است.

در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ فقط شهر تهران بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت داشته است. در حالی که تعداد این شهرها در سال ۱۳۶۵ به ۸ شهر افزایش یافته است. بدین معنی که فقط با گذشت حدود ۲۰ سال تعداد این شهرها ۸ برابر شده و $\frac{4}{7}$ درصد از جمعیت شهری کل کشور را به خود اختصاص داده است. لازم به تذکر است که در سرشماری ۱۳۶۵ ایران، تعداد شهرهای کشور ۹۶۴ شهر گزارش گردیده‌اند. با توجه به مطالب فوق‌الذکر ملاحظه می‌شود قسمت مهمی از جمعیت شهری ایران فقط در ۸ شهر ساکن بوده‌اند، که اگر ۲ شهر دیگر از شهرهای پرجمعیت ایران را به ۸ شهر قبلی اضافه کنیم، مجموع جمعیت ۱۰ شهر ۱۳۹۱۳۹۱ نفر می‌شود که $\frac{7}{3}$ درصد از کل جمعیت شهری کشور را در سال ۱۳۶۵ تشکیل می‌دهد. جمعیت ۱۰ شهر فوق‌الذکر در جدول شماره ۳ منعکس شده است که به ترتیب عبارتند از: تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، باختران، قم، ارومیه و رشت. روند شهرنشینی در ایران در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ در نمودارهای شماره ۳ و ۴ نشان داده شده است.

در بررسی جدول شماره ۴ که شاخصهای شهرنشینی برخی از کشورهای جهان سوم را نشان می‌دهد، ملاحظه می‌شود که میزان شهرنشینی در سال ۱۳۶۷ بین ۲۳ کشور انتخابی، کشورهای شیلی (۸۵ درصد)، عراق (۷۳ درصد)، مکزیک (۷۱ درصد)، کره جنوبی (۶۹ درصد) و ایران با ۵۰ درصد به ترتیب قرار گرفته‌اند. در حالی که کشور تایلند با ۲۱ درصد و کشورهای بنگلادش و مغرب با میزان ۱۳ درصد به ترتیب در پایینترین سطح واقع شده‌اند.

جدول ۲: توزیع جمعیت شهرهای ایران به تفکیک اندازه جمعیت آنها براساس سرشماریهای عمومی کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵

طبقه بلندی جمعیت شهرها	سرشماری ۱۳۳۵	سرشماری ۱۳۴۵	سرشماری ۱۳۵۵	سرشماری ۱۳۶۵	جمعیت	تعداد شهر	جمعیت	تعداد شهر	جمعیت	تعداد شهر	جمعیت	تعداد شهر
کمتر از ۵۰۰ نفر	۴۷۰۸۰	۱۳*	۷۷۴۸۳	۲۲*	۲۱۶۳۰	۶*	۲۵۸۰۶۴	۸۴*	۲۵۸۰۶۴	۲۵۸۰۶۴	۲۵۸۰۶۴	۲۵۸۰۶۴
۵۰۰-۹۹۹ نفر	۶۲۹۲۳۵	۹۰	۸۰۱۸۱۲	۱۱۹*	۸۳۲۷۶۶	۱۶۸	۸۳۲۷۶۶	۱۱۳	۸۳۲۷۶۶	۸۳۲۷۶۶	۸۳۲۷۶۶	۸۳۲۷۶۶
۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر	۸۷۶۰۹۸	۵۶	۱۱۰۳۷۵۱	۷۲	۱۶۴۸۶۸۹	۱۰۹	۲۲۹۹۸۳۶	۱۴۵	۲۲۹۹۸۳۶	۲۲۹۹۸۳۶	۲۲۹۹۸۳۶	۲۲۹۹۸۳۶
۲۵۰۰-۴۹۹۹ نفر	۷۶۴۷۳۲	۲۲	۱۰۸۱۳۱۳	۳۰	۱۵۳۹۶۴۹	۴۵	۲۳۲۰۴۹۹	۶۷	۲۳۲۰۴۹۹	۲۳۲۰۴۹۹	۲۳۲۰۴۹۹	۲۳۲۰۴۹۹
۵۰۰۰-۹۹۹۹ نفر	۶۳۲۹۵۳	۹	۱۰۶۷۹۰۶	۱۵	۱۵۳۱۵۸۶	۲۲	۳۱۵۴۹۴۳	۴۶	۳۱۵۴۹۴۳	۳۱۵۴۹۴۳	۳۱۵۴۹۴۳	۳۱۵۴۹۴۳
۱۰۰۰۰-۲۴۹۹۹ نفر	۹۹۳۷۵۹	۶	۱۱۶۷۳۸۱	۸	۲۱۵۳۲۹۶	۱۵	۳۷۵۶۵۸۷	۲۵	۳۷۵۶۵۸۷	۳۷۵۶۵۸۷	۳۷۵۶۵۸۷	۳۷۵۶۵۸۷
۲۵۰۰۰-۴۹۹۹۹ نفر	۵۴۴۷۰۴	۲	۱۷۷۹۹۰۱	۵	۱۳۴۴۸۸۰	۴	۲۲۲۵۷۷۱	۸	۲۲۲۵۷۷۱	۲۲۲۵۷۷۱	۲۲۲۵۷۷۱	۲۲۲۵۷۷۱
۵۰۰۰۰ نفر و بیشتر	۱۵۱۲۰۸۲	۱	۲۷۱۹۷۳۰	۱	۶۴۵۷۴۷۹	۴	۱۱۹۹۶۰۹۵	۸	۱۱۹۹۶۰۹۵	۱۱۹۹۶۰۹۵	۱۱۹۹۶۰۹۵	۱۱۹۹۶۰۹۵
جمع کل با احتساب نقاط	۶۰۰۰۶۴۳	۱۹۹	۹۷۹۹۲۷۷	۲۷۲	۱۵۸۵۴۶۸۰	۳۷۳	۲۶۸۴۴۵۶۱	۴۹۶	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۶۸۴۴۵۶۱
کمتر از ۵۰۰ نفر	۵۹۵۳۵۶۳	۱۸۶	۹۷۲۱۷۹۴	۲۵۰	۱۵۸۳۳۰۰۰	۳۶۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۴۱۲	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷
جمع کل بدون احتساب نقاط کمتر از ۵۰۰ نفر	۵۹۵۳۵۶۳	۱۸۶	۹۷۲۱۷۹۴	۲۵۰	۱۵۸۳۳۰۰۰	۳۶۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۴۱۲	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷	۲۶۵۸۶۴۹۷

ساخت:

۱- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، جزوه‌های کل کشور مربوط به سرشماریهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵.

۲- دکتر حبیب‌الله زنجانی و فریدون رحمانی، راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.

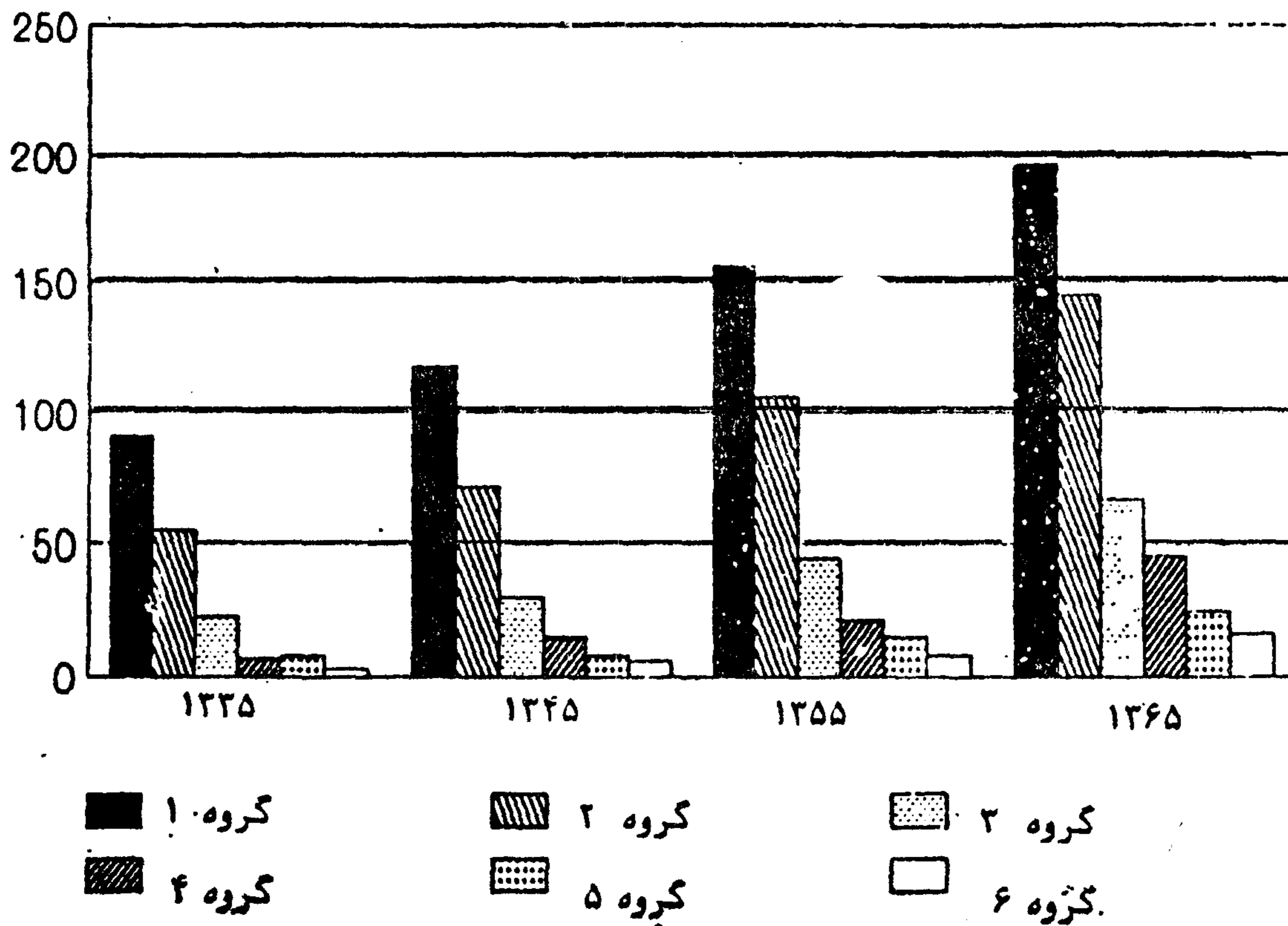
* این نقاط در سرشماری‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ بدلیل مرکز شهرستان بودن و در سرشماری ۱۳۶۵ بدلیل داشتن شهرداری جزء نقاط شهری محسوب شده‌اند.

* شهرزواره در سرشماری ۱۳۴۵؛ ۳۱۵ نفر جمعیت به‌علت تأخیر در اعلام نتایج سرشماری آن جزء نقاط روستایی آورده شده بود که در جدول فوق بحساب نقاط شهری بین ۱۰ هزار نفر آورده شده است.

* * * در سرشماری ۱۳۶۵ ملاک نقاط شهری، داشتن شهرداری بوده است. بنابراین نقاط با بیش از ۵۰۰ نفر جمعیت که فاقد شهرداری بوده‌اند روستا بحساب آمده‌اند.

نمودار ۲

توزیع جمعیت شهری ایران برحسب ابعاد جمعیتی شهرها در طبقه بندیهای خاص، به تفکیک سرشماریهای ایران در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵



۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵
۱ گروه	۲ گروه	۳ گروه	۳ گروه
۴ گروه	۵ گروه	۶ گروه	۶ گروه

گروه ۱: شهرهای ۹۹۹۹-۵۰۰۰ نفری
 گروه ۲: شهرهای ۲۴۹۹۹-۱۰۰۰۰ نفری
 گروه ۳: شهرهای ۴۹۹۹۹-۲۵۰۰۰ نفری
 گروه ۴: شهرهای ۹۹۹۹۹-۵۰۰۰۰ نفری
 گروه ۵: شهرهای ۲۴۹۹۹۹-۱۰۰۰۰۰ نفری
 گروه ۶: شهرهای ۲۵۰۰۰۰ نفری و بیشتر

سأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در ایران

در مورد رشد متوسط سالانه جمعیت شهری، بین سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۹، ایران بین ۲۳ کشور انتخابی با میزان ۱/۵ درصد در مرحله پنجم، یعنی پس از کشورهای کره جنوبی، عراق، سودان و نیجریه قرار دارد، در صورتی که در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ با کاهش حدود یک درصد از رشد سالانه به ترتیب در مرحله یازدهم از نظر داشتن بیشترین رشد بین کشورهای فوق‌الذکر که آمار آنها در جدول شماره ۴ منعکس شده است قرار گرفته است.

ملاحظه سایر شاخصهای شهرنشینی در جدول شماره ۴، منعکس کننده این واقعیت است که گرایش جمعیت به شهرنشینی و وسعت شهرهای بزرگ در سه دهه اخیر در اکثر کشورهای جهان سوم رشد بی سابقه‌ای داشته است. به طوری که در بسیاری از این کشورها شهرهای ۱۰۰ هزار نفری به چندین برابر و شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری به بیش از سه برابر و در کشوری مانند ایران به ۸ برابر افزایش یافته است. ظهور شهرهای غول‌آسا در این کشورها که قسمت اعظم جمعیت شهری را شامل می‌شوند بسیار اعجاب‌انگیز و گاهی تصور ناپذیر است. به عنوان مثال براساس جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود که در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹، یعنی در فاصله زمانی ۲۰ ساله، تعداد شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری چین از ۳۸ شهر به ۷۸ شهر رسیده و بیش از دو برابر افزایش داشته است. این در حالی است که شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری چین در سال ۱۳۵۹، حدود ۵ درصد از جمعیت شهری کل کشور را دربر داشته‌اند.

جدول ۳: توزیع شهرهای ایران با جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفر و بیشتر در سرشماریهای مختلف در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵

شماره	شهر	جمعیت در ۱۳۳۵ (۱)	جمعیت در ۱۳۴۵ (۲)	جمعیت در ۱۳۵۵ (۳)	جمعیت در ۱۳۶۵ (۴)
۱	آبادان	۲۲۶۰۸۳	۲۷۲،۹۶۲	۲۹۶،۵۸۱
۲	اهواز	۱۲۰،۵۹۸	۲۰۶،۳۷۵	۳۳۴،۳۹۹	۵۷۹،۸۲۶
۳	اراک	۱۱۶/۸۳۲	۲۶۵/۳۴۹
۴	اردبیل	۱۴۷/۸۶۵	۲۸۱/۹۷۳
۵	آمل	۱۱۸/۲۴۲
۶	باختران	۱۲۵/۴۳۹	۱۸۷/۹۳۰	۲۹۰/۶۰۰	۵۶۰/۵۱۲
۷	بندرعباس	۲۰۱/۶۴۲
۸	بروجرد	۱۰۱/۳۴۵	۱۸۳/۸۷۹
۹	بندر بوشهر	۱۲۰/۸۷۸
۱۰	بابل	۱۱۵/۳۲۰
۱۱	دزفول	۱۲۱/۲۵۱	۱۵۱/۴۲۰
۱۲	اصفهان	۲۵۴/۷۰۸	۴۲۴/۰۴۵	۶۶۱/۵۱۰	۹۸۶/۷۵۳
۱۳	اسلامشهر	۲۱۵/۱۲۹
۱۴	گرگان	۱۲۹/۴۳۰
۱۵	قزوین	۱۳۹/۲۵۲	۲۴۸/۵۹۱
۱۶	قم	۱۳۴/۲۹۲	۱۳۴/۲۱۹	۵۴۲/۱۲۹
۱۷	قائمشهر	۱۰۹/۲۸۸
۱۸	همدان	۱۲۴/۱۶۷	۱۶۵/۷۸۵	۲۷۲/۴۹۹
۱۹	کرج	۲۱۰/۰۶۰	۲۷۵/۱۰۰
۲۰	کاشان	۱۳۸/۵۹۹
۲۱	کرمان	۱۴۰/۷۶۱	۲۵۷/۲۸۴
۲۲	خرم آباد	۱۰۴/۹۱۲	۲۰۸/۵۹۲
۲۳	خوی
۲۴	خرم شهر	۱۶۴/۷۰۹

ادامه جدول در صفحه بعد

شماره	شهر	جمعیت در ۱۳۳۵ (۱)	جمعیت در ۱۳۴۵ (۲)	جمعیت در ۱۳۵۵ (۳)	جمعیت در ۱۳۶۵ (۴)
۲۵	مشهد	۲۴۱/۹۸۹	۴۰۹/۶۱۶	۶۶۷/۷۷۰	۱/۴۶۳/۵۰۸
۲۶	مسجد سلیمان	۱۰۴/۷۸۷
۲۷	ملایر	۱۰۳/۶۴۰
۲۸	مراغه	۱۰۳/۶۷۹
۲۹	نجف آباد	۱۲۹/۰۵۸
۳۰	نیشابور	۱۰۹/۲۵۸
۳۱	ارومیه	۱۱۰/۷۴۹	۱۶۴/۴۱۹	۳۰۰/۷۶۴
۳۲	رشت	۱۰۹/۴۹۱	۱۴۳/۵۵۷	۱۸۸/۹۵۷	۲۹۰/۸۹۷
۳۳	ری *	۱۰۲/۸۲۵
۳۴	رجائی شهر	۱۱۷/۸۲۵
۳۵	سبزوار	۱۲۹/۱۰۳
۳۶	سندج	۲۰۴/۵۳۷
۳۷	ساری	۱۰۴۱/۵۲۰
۳۸	شیراز	۱۷۰/۶۵۹	۲۶۹/۸۶۵	۴۲۵/۸۱۳	۸۴۸/۲۸۹
۳۹	خمینی شهر	۱۰۴/۶۴۷
۴۰	تبریز	۲۸۹/۹۹۶	۴۰۳/۴۱۳	۵۱۷/۹۷۶	۹۷۱/۴۸۲
۴۱	تهران	۱/۵۱۲/۰۸۲	۲/۷۱۹/۷۳۰	۴/۵۳۰/۲۲۳	۶/۰۴۲/۵۸۴
۴۲	تجریش *	۱۵۷/۴۸۴
۴۳	یزد	۱۳۵/۹۲۵	۲۳۰/۴۸۳
۴۴	زاهدان	۲۸۱/۹۲۳
۴۵	زنجان	۱۰۰/۳۵۱	۲۱۵/۲۶۱
	جمع کل	۹	۱۴	۲۳	۴۱

منابع:

1-2- United Nations, Demographic year Book, 1979.

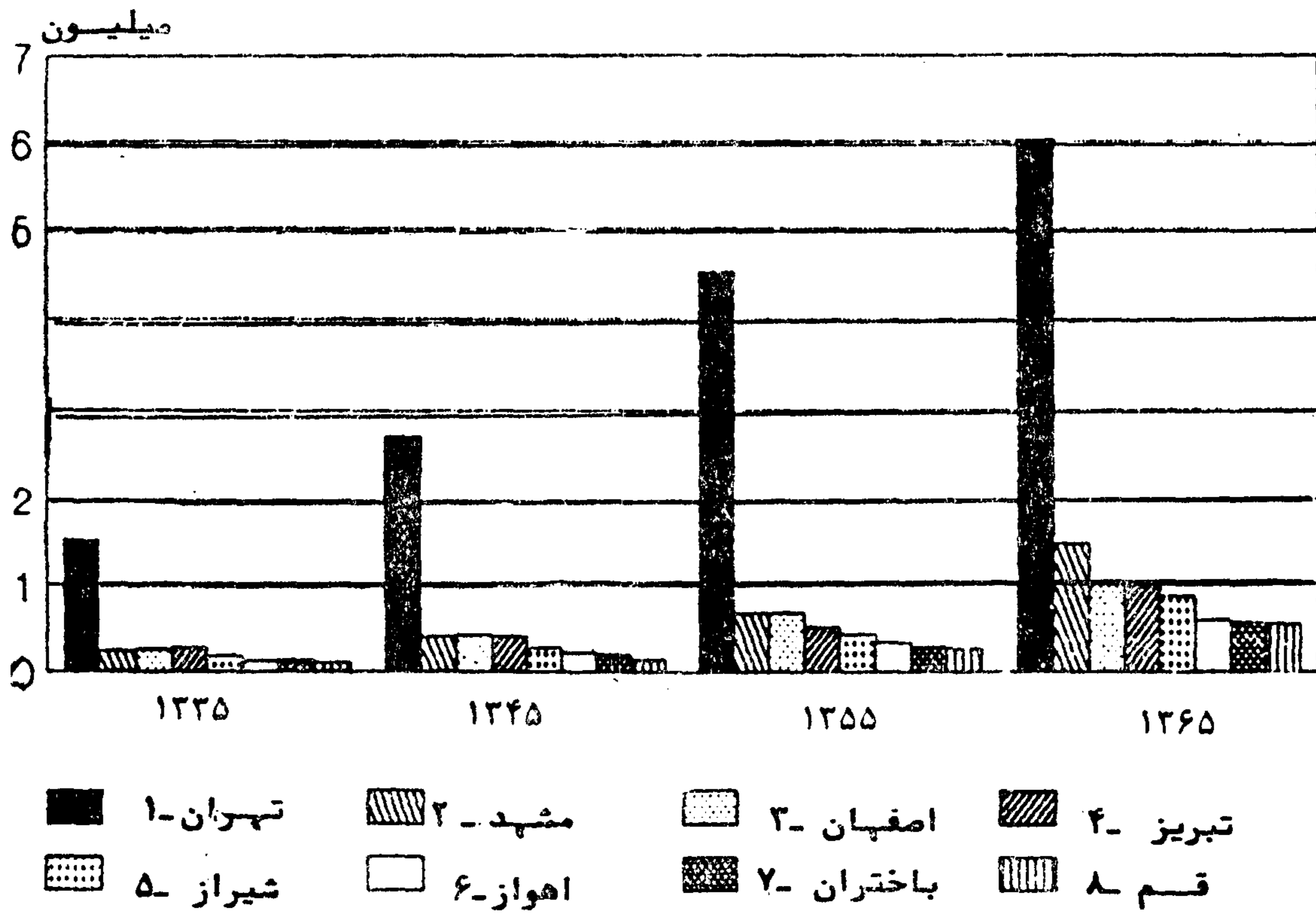
3- United Nations, Demographic year Book, 1989.

۴- مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۶۵

*- شهرهای ری و تجریش در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ در تهران ادغام و تهران بزرگ

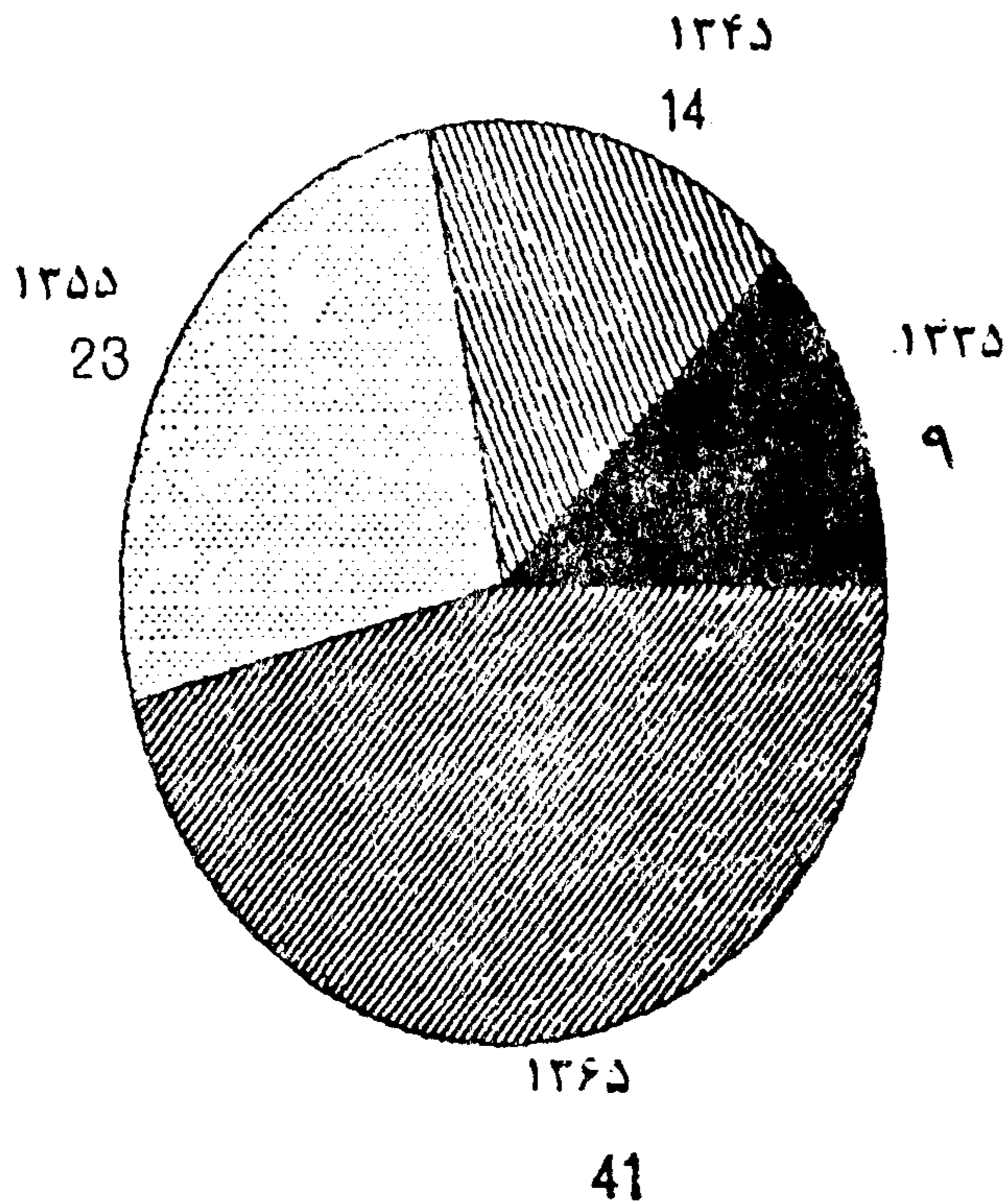
را تشکیل داده است.

نمودار ۳ - روند شهرنشینی در ایران در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵ برای چند شهر انتخابی



ساخت: ۱. سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در ایران

نمودار ۴ - روند افزایش شهرهای بیش از ۱۰۰۰۰ نفری در ایران در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۶۵



ساخت: ۱. سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در ایران

۲. نشریه آماری سالانه سازمان ملل متحد

در همین فاصله زمانی شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری کشور هندوستان از ۱۱ شهر به ۳۶ شهر صعود کرده و در سال ۱۳۵۹ حدود ۳۹ درصد از جمعیت شهری شبه قاره هند رادر برگرفته است.

با سلاخه آمار ارائه شده در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که شمار و حجم جمعیت شهری غالب کشورهای جهان سوم در آسیا و آفریقا در فاصله ۲ سال سورد مطالعه افزایش شدیدی یافته‌اند. به عنوان مثال، شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری در کشور اندونزی از ۳ به ۹ شهر، در پاکستان از ۲ به ۷ شهر و در کره جنوبی از ۳ به ۷ شهر افزایش یافته‌اند. همان طور که ذکر گردید افزایش شمار شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری در قاره آسیا و آفریقا در فاصله زمانی ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹ موجب گردیده است که بخش مهمی از جمعیت شهری این کشورها در این نوع شهرها ساکن شوند. برای مثال سلاخه می‌شود که در سال ۱۳۵۹ شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفری در کشورهای: کره جنوبی، عراق، تایلند، نیجریه، جمهوری عربی، مصر، پاکستان، بنگلادش و اندونزی به ترتیب ۷۷ درصد، ۷۰ درصد، ۶۹ درصد، ۵۸ درصد، ۵۳ درصد، ۵۱ درصد، ۵۱ درصد و ۵۰ درصد از جمعیت شهری کل کشور رادر برداشته‌اند. ۱۸ در حقیقت در اکثر کشورهای این دو قاره به طور متوسط نیمی از جمعیت شهری کشور در تعداد معدودی از شهرها متمرکز شده‌اند و بخش مهمی از امکانات محدود کشور را به خود اختصاص داده‌اند. به همین علت میزان افزایش مطلق سالانه جمعیت این مناطق بسیار بیش از میزان افزایش طبیعی سالانه جمعیت آنهاست. بدون تردید عامل مهاجرت در میزان افزایش جمعیت این مناطق دارای نقش اساسی است.

رشد شدید طبیعی جمعیت این کشورها (به دلیل بالا بودن سطح باروری) از یک سو و حرکت روستاییان به شهرهای کوچک، و مهاجرت جمعیت از شهرهای عقب افتاده و محروم به سمت شهرهای بزرگ و توسعه یافته تر از سوی دیگر موجب شده است که برنامه ریزیهای توسعه در این کشورها با اشکال جدی روبرو شود.

تمرکز امکانات درمانی، بهداشتی، فرهنگی و اشتغال در پایتخت کشورهای جهان سوم و تعداد معدودی از شهرهای بزرگ، و عدم امکانات کافی در شهرهای دور افتاده و محروم و فقدان شدید امکانات اولیه زندگی، به خصوص در مناطق روستایی این کشورها موجب شده است که روز به روز شاهد خیل عظیم مهاجرت روستاییان به شهرهای اطراف روستا و از آنجا به طرف شهرهای توسعه یافته تر باشیم. به عنوان مثال ما مسئله خدمات درمانی و بهداشتی را که که خود نمونه بارز توزیع نامناسب متخصصان است و در عین حال باعث مهاجرت بی تناسب نیز می‌گردد، ذکر می‌کنیم.

بر اساس آخرین سرشماری ۱۳۶۵ ایران، از ۱۷۸۰۴ نفر پزشکان کل کشور ۱۶۶۰۹

جدول ۴: مقایسه شاخصهای مختلف شهرنشینی در ایران و برخی از کشورهای در حال توسعه

کشور	جمعیت شهری		متوسط رشد		درصد به کل جمعیت		
	تعداد شهرهای بیش از	درصد جمعیت شهری	در بزرگترین شهرها	در شهرهای بیش از	سالانه (درصد)	نفر	
جمهوری اسلامی ایران	۱۳۳۹	۱۳۳۹	۱۳۵۹	۱۳۳۹	۱۳۵۹-۶۷-۱۳۴۴-۵۹	۱۳۶۷	۱۳۴۴
بنگلادش	۶	۴۷	۲۶	۲۸	۴/۱	۵۴	۳۷
زئیر	۳	۵۱	۲۰	۳۰	۵/۶	۱۳	۶
نیجریه	۲	۳۸	۱۴	۲۸	۴/۶	۳۹	۲۶
چین	۹	۵۸	۲۲	۱۷	۶/۳	۳۴	۱۷
هندوستان	۷۸	۳۸	۴۵	۴۲	۰۰	۵۰	۱۸
پاکستان	۳۶	۱۱	۳۹	۲۶	۴/۰	۲۷	۱۹
غنا	۷	۲	۵۱	۳۳	۴/۵	۳۱	۲۴
سیریلانکا	۲	۰	۴۸	۰	۴/۲	۳۳	۲۶
اندونزی	۱	۰	۱۶	۰	۱/۲	۲۱	۲۰
	۹	۳	۵۰	۳۴	۴/۸	۲۷	۱۶

۱	۰	۳۱	۰	۳۱	۳۰	۴/۱	۵/۶	۲۱	۱۳	سودان
۲	۱	۳۴	۲۷	۳۰	۲۷	۳/۷	۴/۱	۴۱	۳۲	فیلیپین
۲	۲	۵۳	۵۳	۳۹	۲۸	۳/۵	۲/۸	۴۸	۴۱	جمهوری عربی مصر
۱	۱	۶۹	۶۵	۶۹	۶۵	۴/۷	۵/۱	۲۱	۱۳	تایلند
۱	۱	۳۰	۴۰	۳۰	۴۰	۲/۹	۴/۰	۵۴	۴۰	تونس
۳	۳	۴۲	۳۲	۲۴	۱۸	۳/۴	۴/۲	۴۷	۳۴	ترکیه
۱	۱	۴۴	۳۸	۴۴	۳۸	۲/۳	۲/۶	۸۵	۷۲	شیلی
۲	۱	۵۵	۳۵	۳۳	۳۵	۴/۵	۴/۶	۵۱	۴۰	جمهوری عربی سوریه
۷	۳	۴۸	۳۶	۳۲	۲۸	۳/۱	۴/۴	۷۱	۵۵	مکزیک
۱	۰	۳۷	۰	۳۷	۳۰	۵/۲	۴/۹	۱۳	۸	مغرب (حبشه)
۱	۰	۲۷	۰	۲۷	۱۹	۴/۹	۴/۵	۴۱	۲۶	مالزی
۷	۳	۷۷	۶۱	۴۱	۳۵	۳/۷	۵/۸	۶۹	۳۲	جمهوری کره
۲	۱	۷۰	۳۵	۵۵	۳۵	۴/۸	۵/۳	۷۳	۵۱	عراق

Source: World Bank, world Development Reports, washington. D.C Jun 1990, PP. 238-239.

نفر در مناطق شهری و ۱۱۹۵ نفر در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. به عبارت دیگر ۳۳٫۹ درصد از پزشکان در خدمت جمعیت شهری و فقط ۶٫۶ درصد در خدمت مناطق روستایی بوده‌اند. با توجه به حجم جمعیت شهری و روستایی، چنانچه شاخص پزشک به جمعیت محاسبه شود، ملاحظه می‌شود که در مناطق روستایی برای هر ۱۸۷۰۲ نفر یک پزشک و در مناطق شهری برای هر ۱۶۱۶ نفر یک پزشک وجود داشته است. جالبتر آن که بیش از ۷۰ درصد پزشکان ساکن شهرهای بزرگ و بخصوص ساکن ۱۰ شهر ذکر شده در صفحات قبل بوده‌اند. (درست است که صرف ساکن بودن پزشکان در مناطق شهری دلیل عدم ارائه خدمات پزشکی به روستاییان نیست و روستاییان هم می‌توانند به پزشکان شهری مراجعه کنند. ولی با توجه به مشکلات راه و وسیله نقایه و غیره عملاً دست‌یابی روستاییان به پزشکان شهری آسان نیست). بنابراین به دلیل عدم توزیع متعادل خدمات درمانی در سطح کشور، مناطق روستایی از مناطق شهری بسیار محرومتر هستند. به طوری که عمر متوسط (E.) روستاییان در سال ۱۳۶۵ از ۵۰ سال متجاوز نبوده و میزان مرگ و میر عمومی آنها (C. D. R) حول و حوش ۱۵ در هزار در نوسان بوده است. میزان مرگ و میر اطفال (I.M.R) آنها نیز برای سال فوق حدود ۹۰ در هزار محاسبه گردیده است.

علی‌رغم خدمات بسیار وسیع انجام شده در سالهای پس از انقلاب در سطح روستاهای کشور، به علت وسعت کشور و پراکنده بودن مناطق روستایی و شمار زیاد روستاها (در سر-شماری ۱۳۶۵ تعداد روستاهای کشور نزدیک به ۱۰۰ هزار گزارش شده است). متأسفانه هنوز مهندسی بهداشت به‌طور کامل در تمام مناطق روستایی استقرار نیافته است و عدم وجود آب آشامیدنی تصفیه شده و حمام بهداشتی، سالانه موجب بیماری هزاران روستایی کوچک و بزرگ می‌شود. طب پیشگیری نیز آن طور که باید و شاید پوشش نداشته و واکسیناسیون اطفال در مناطق روستایی بسیار ناقص و عدم وجود کلینیکهای درمانی کافی و مجهز در این مناطق موجب به خطر افتادن جدی سلامتی روستایی و بخصوص اطفال شده است که آسیب‌پذیری بیشتری دارند. عدم وجود راههای ارتباطی مناسب و وسایط نقلیه کافی نیز امر دیگری است که دستیابی روستاییان به امکانات موجود در شهرهای نزدیک برای دریافت خدمات درمانی، فرهنگی، فروش محصولات خود و غیره را مشکلتر می‌کند.

اطلاعات حاصل از آخرین سرشماری ۱۳۶۵ ایران حاکی از آن است که بیش از ۸۵ درصد از مهندسان کشاورزی کشور ساکن شهرها بوده‌اند. مهندسانی که اصولاً حرفه آنها ایجاب می‌کند که در مناطق روستایی ساکن باشند.

با توجه به مطالب فوق شاید بتوان گفت ایران نمونه‌ای است از کشورهای جهان سوم که امکانات مختلف فرهنگی، درمانی، اقتصادی، خدماتی و اداری آن در پایتخت و تعداد

معدودی از شهرهای بزرگ متمرکز است همین عامل یکی از عوامل اساسی در عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت است و نهایتاً در مهاجرت‌های بی‌تناسب داخلی کشور تأثیر زیادی به‌جای می‌گذارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

ملاحظه رشد سریع جمعیت در شهرهای ایران، که متوسط سالانه آن بین سالهای ۶۷-۱۳۵۹ حدود ۱٫۴ درصد برآورد گردیده است (جدول شماره ۴) و نیز در نظر گرفتن رشد طبیعی جمعیت شهری ایران که در سال ۱۳۶۵ حدود ۲٫۵ درصد برآورد شده است، انعکاسی از این واقعیت است که قسمت مهمی از رشد مطلق سالانه مناطق شهری و به‌خصوص شهرهای بزرگ و توسعه یافته‌تر مربوط به خیل مهاجرانی است که از مناطق روستایی و شهرهای دور افتاده و محروم به سمت شهرهای بزرگ و توسعه یافته در حرکت هستند. میزان شهرنشینی در ایران از ۳۱٫۷۷ به ۳۴٫۵ درصد در فاصله ۳۰ سال (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵)، افزایش شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفری از ۹ به ۱۴ شهر و ظهور ۸ شهر بیش از ۵۰۰ هزار نفری در فاصله زمانی فوق‌الذکر همه مؤید آن است که در سالهایی نه‌چندان دور شاهد تولد تعداد زیادی از شهرهای میلیونی در ایران خواهیم بود. مشکلات عادی‌های که در حال حاضر در شهر تهران در زمینه ترافیک، تلفن، برق، آب، مسکن، و آلودگی هوا و غیره به چشم می‌خورد تا چند سال آینده قهراً در شهرهای بزرگی نظیر مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز نیز به وجود خواهد آمد. از سوی دیگر، چنین سرعتی شدید در گرایش جمعیت به شهرنشینی موجب کاهش روزانه جمعیت مولد روستایی خواهد شد. قسمت مهمی از جمعیت فعال کشور در بخش کشاورزی اشتغال دارند، که نسبت آن به کل جمعیت روز به روز در حال کاهش است.

بدون شک کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی، بدون استقرار تکنولوژی کشاورزی نوین در روستا، وابستگی کشور را به واردات محصولات کشاورزی از خارج افزایش خواهد داد.

سیاست‌های مربوط به توزیع مجدد جمعیت در کشورهای جهان سوم

در چند دهه اخیر دولتها تدابیر مختلفی در جهت متعادل کردن توزیع جغرافیایی جمعیت و ایجاد تناسب در آن اتخاذ کرده‌اند، تا بتوانند به نحوی از انحاء جلوی گسترش شهرهای بزرگ و غول‌آسا را بگیرند و به‌خصوص موجب کند کردن حرکت مهاجرتی روستاییان به مناطق شهری شوند. هدف اساسی در اتخاذ این تصمیمات، متناسب کردن تعداد جمعیت یک منطقه با امکانات موجود در منطقه نظیر، منابع تأمین آب و برق، مسکن، بهداشت، درمان، اشتغال، آموزش و غیره بوده است. سیاستها و تدابیری را که دولتها در کشورهای جهان سوم اتخاذ کرده‌اند می‌توان به‌طور کلی به سه دسته تقسیم کرد:

سیاستهای مستقیم

این سیاستهای مستقیم عبارت است از مجموعه تصمیمات و تدابیری که به صورت مستقیم بر جریانهای مهاجرتی جمعیت اثر می گذارد. در این زمینه تصمیماتی نظیر صدور کارت برای ساکنان شهرهای مورد نظر، به منظور جلوگیری از سکونت افراد جدید در آنها، کنترل ورودی شهرها، جلوگیری از خروج روستاییان از مناطق روستایی، کوچ دادن اجباری افراد به مناطق مورد نظر، همه از اقداماتی است که به صورت مستقیم بر کنترل دولت در اسر مهاجرت تأثیر می گذارند. اما این اقدامات مغایر با اصل آزادی فردی و اجتماعی اند، زیرا افراد یک جامعه، مادام که مرتکب جرمی نشده و تحت پیگرد قانونی قرار نگرفته اند آزادند در کشور خویش به هر جا که متضمن سلامتی و رفاه بیشتری برای آنها باشد مهاجرت کنند. برای مثال کشوراندونزی برای کاهش فشار جمعیت در شهر جا کارتا از سال ۱۹۷۰ به بعد مبادرت به صدور کارت های ویژه ای برای ساکنان آن کرد. بر همین اساس مهاجرت به جا کارتا و سکونت افراد جدید در آنجا ممنوع اعلام شد. مسافرت به این شهر فقط برای دیدو بازدید اقوام و دوستان، انجام کارهای اداری و سیاحت برای مدت محدود و تحت شرایط خاص و پس از طی مراحل اداری میسر بود. کشور چین هم از سالهای ۱۹۵۰ به بعد سعی در کنترل مستقیم جمعیت مناطق شهری خود کرد:

صدور کارت های جیره بندی غذا در برخی از مناطق کشور، صدور اجازه نامه های سفر برای مسافران، صدور دفترچه ای خاص برای هر خانوار که نام شهر یا منطقه روستایی محل سکونت وی در آن قید شده است، تدوین محدودیتهای استخدامی برای واحدهای صنعتی شهری و حتی مهاجرت اجباری برخی از مناطق شهری به مناطق روستایی، از جمله تصمیمات دولت چین در جهت کنترل مهاجرتها و جلوگیری از افزایش بی تناسب جمعیت مناطق شهری کشور بوده است. به عنوان مثال دولت چین در سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به مناطق شهری مبادرت به اجرای کنترل های اداری و قانونی کرد و در همین فاصله زمانی که با انقلاب فرهنگی نیز مصادف بود بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون جوان شهری را پس از اتمام تحصیلات متوسطه به مناطق روستایی فرستاد^{۲۱}.

سیاستهای غیر مستقیم

سیاستهای غیر مستقیم، عبارت است از مجموعه تدابیر و تصمیماتی که به صورت غیر مستقیم سعی در کند کردن حرکت مهاجرتی مناطق مهاجر فرست می کند و از سوی دیگر موجب توزیع مجدد جمعیت می شود. در این نوع سیاستها، سعی بر این است که به نقاط محروم کشور که مهاجر فرست هستند توجه شود و با کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مناطق،

از یک سو جلوی مهاجرت افراد جدید گرفته شود، و از سوی دیگر موجب بازگشت افراد بومی مهاجرت کرده این منطقه از مناطق دیگر کشور گردد. نظر به اینکه عدم تناسب در توزیع جغرافیایی جمعیت، ناشی از عدم تعادل در توزیع امکانات در کشورهای جهان سوم است، چنانچه دست اندرکاران برنامه‌ریزی در این کشورها، اقدام به استقرار امکانات مختلف در نقاط محروم مهاجرت فرست کنند، به هردو هدف فوق خواهند رسید. البته این نوع سیاستها که در چارچوب سیاستهای کلی توسعه انجام می‌پذیرد، نیاز به زمان کافی و صرف هزینه‌های مالی بسیار دارد. که تجربه نشان داده است کشورهای جهان سوم از پس آن بر نمی‌آیند. به این نوع سیاستها باید سیاست عدم تمرکز در خدمات اداری و صنعتی نیز افزوده شود. منطقه‌ای شدن خدمات اداری (اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) موجب توزیع متعادل جمعیت در کشور و جلوگیری از تجمع جمعیت در مناطق خاص می‌شود.

سیاستهای هدایت کننده

سیاستهای نوع سوم عبارت است از مجموعه تصمیمات و تدابیری که با ایجاد انگیزه‌های مختلف بر جریانهای مهاجرتی تأثیر می‌گذارد و مهاجرتها را به طرف مناطق مورد نظر دولت هدایت می‌کند. در زمینه این سیاستها، اقداماتی نظیر پرداخت دستمزدهای زیاد در برخی از مناطق، معافیت مالیاتی، دادن اعتبار و وامهای طویل‌المدت برای فعالیتهای اقتصادی-صنعتی در اختیار گذاشتن مسکن، دادن زمین به کشاورزان مناطق روستایی، احداث شهرکها در حوالی شهرهای بزرگ و تدارک امکانات سهل‌الوصول در آنها مانند مسکن را می‌تواند برای کند کردن حرکت مهاجرتی مناطق مهاجر فرست و احیاناً هدایت مهاجرتها به مناطق مورد نظر مؤثر واقع شود. به عنوان مثال می‌توان تصمیم دولت اندونزی را در طی سالهای ۱۹۶۴-۱۹۷۴ برای استقرار مهاجران روستایی در مناطق جدید که هنوز از نظر کشاورزی و صنعتی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بودند از نوع این گونه سیاستها تلقی کرد. در این برنامه، دولت اندونزی قصد داشت به هر کشاورز مهاجر، هزینه مسافرت، دوهکتار زمین، مسکن و لوازم کشاورزی و مواد غذایی به مدت یکسال را بدهد.

کره جنوبی در فاصله زمانی ۱۹۷۰-۱۹۸۰ با وضع مالیاتهای مخصوص و دادن اعتبارات اقتصادی، صنعتی به شهرهای کوچک، انگیزه استقرار قطبهای صنعتی در آنها را ایجاد کرد و بدین ترتیب توانست به میزان بسیاری موجب کاهش رشد جمعیت در «سئول» شود. به صورتی که رشد جمعیت در سئول از ۹۸ درصد سالانه در دهه ۱۹۶۰ به ۵۰ درصد در دهه ۱۹۷۰ کاهش یافت.

در این زمینه دولت فیلیپین نیز به منظور جلوگیری از افزایش روزافزون جمعیت در

پایتخت، در سال ۱۹۶۳ اقدام به وضع قوانین خاص برای سکونت در «مانیل» کرد. براساس تصمیمات جدید، لازمه ورود به مراکز آموزشی در پایتخت، پرداختن مالیات سنگین برای مهاجران به «مانیل» بود. دولت تحصیلات رایگان را فقط برای افراد مقیم «مانیل» فراهم کرد. لذا مهاجران برای ورود به مراکز آموزش در «مانیل» مجبور به پرداخت هزینه های سنگین بودند.

پیشنهادی چند در خصوص کنترل مهاجرت های داخلی در ایران

با نگاهی دقیق به سیاست های اعمال شده در کشورهای جهان سوم می توان به این نتیجه رسید که سیاست های مستقیم به دلیل سلب آزادی فردی و اجتماعی افراد نه سوجه به نظر می رسد و نه می تواند در درازمدت عملی باشد. زیرا دخالت دولت در کنترل عبور و مرور افراد در داخل علاوه بر موارد فوق چنان نظام اداری وسیع و بورکراتیکی ایجاد خواهد کرد که خود دست و پاگیر دولت خواهد شد. روزانه از دروازه های شهرهایی که قرار است مهاجرت آنها کنترل شود هزاران نفر خارج و داخل می شوند که کنترل و بازدید کارت اقامت و اجازه نامه های سفر و مدارکی از این قبیل کاری دشوار است. البته ممکن است موقتاً برای یکی دو شهر عملی باشد ولی اگر چاره اساسی پیدا نشود با افزایش شهرها، عملاً چنین کنترل هایی از نظر اداری و مسایل بورکراتیک غیر ممکن خواهد شد. نمونه بارز این مورد، سیاست اعمال شده در اندونزی برای شهر جاکارتا است که پس از مدتی با شکست مواجه شد. در چین نیز پس از فروکش کردن انقلاب فرهنگی جوانانی که از مناطق شهری به روستا فرستاده شده بودند، مجدداً به شهرهای خود بازگشتند.

قبل از انقلاب اسلامی هرازگاهی صحبت از افزایش شدید جمعیت تهران می شد و برخی از صاحب نظران صدور کارتهای ویژه اقامت برای ساکنان تهران را مطرح می کردند تا بدین وسیله جلوی مهاجرت به تهران گرفته شود. پس از انقلاب اسلامی صدور دفترچه بسیج، عدم امکان ثبت نام دانش آموزان بدون تطابق با دفترچه بسیج، عدم امکان خرید خانه در تهران از موارد عینی این نوع سیاستها بود. ولی واقعیت امر این است که مسئله افزایش جمعیت شهری فقط به تهران ختم نمی شود. همچنان که قبلاً اشاره شد، در آینده شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز و پس از آن شهرهای دیگر نیز دچار مشکلات فعلی تهران خواهد شد. آیا در تمام این شهرها می توان کنترل هایی از نوع سیاست های مستقیم اعمال کرد. تجربه کشورهای جهان سوم نشان داده است که این سیاستها در درازمدت دچار شکست خواهند شد.

بنابراین به نظر می رسد تلفیقی از سیاست های نوع دوم و سوم، یعنی سیاست های غیرمستقیم و سیاست های هدایت کننده در کشورهای جهان سوم، کارایی بیشتری داشته باشد. لذا، با عنایت به مراتب فوق، به منظور کنترل مهاجرت های روستایی و جلوگیری از افزایش بی تناسب جمعیت

شهرها و حفظ کیفیت سطح زندگی، هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، رعایت نکات ذیل در سیاست‌گذاریه‌های دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی کشور ضروری به نظر می‌رسد:

۱- توجه لازم به بخش کشاورزی و توسعه هرچه بیشتر آن که در این زمینه لازم است:

الف: در برنامه‌ریزیهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور، اولویتهای لازم به بخش کشاورزی تخصیص یابد و سیاستهای لازم در جهت تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این بخش اتخاذ گردد.

ب: ترتیبی اتخاذ گردد تا نظام کشاورزی از حالت نیمه سنتی خارج شود و هرچه سریعتر تکنولوژی جدید را به کارگیرد. روستاییان نیز باید با فرهنگ کشاورزی نوین بهرطریقی که مصلحت باشد (مثلاً گذاشتن کلاسهای توجیهی در مراکز بخشها) آشنا شوند.

ج: افزایش زمینهای زیرکشت، ایجاد شبکه‌های آبیاری صحیح و بستن سدهای عظیم برای تأمین آب کافی برای زراعت از مسایل بنیادی کشاورزی ایران است که باید در برنامه‌ریزیهای کشور به آن عنایت خاص مبذول گردد.

۲- جذب نیروهای فعال اضافی روستاها در کارخانه‌های وابسته به محصولات کشاورزی نظیر کارخانه‌های کنسروسازی، برنج‌کوبی، کمپوت‌سازی و غیره در نزدیک روستا.

۳- اتخاذ تصمیمات جدی برای تأمین سلامتی روستاییان که برای نیل به این هدف توجه به‌سوارذیل ضروری به نظر می‌رسد:

الف: استفاده از مهندسی بهداشت در روستاها برای تأمین آب آشامیدنی تصفیه شده، حمام بهداشتی، گندزدایی مساکن و مراکز دامها و گسترش واکسیناسیون به‌خصوص در مورد اطفال.

ب: ایجاد درمانگاهها و بیمارستانهای مجهز و کافی (و تأمین کادر درمانی موردنیاز آن آن با اتخاذ سیاستهای لازم) با توجه به موقعیت جغرافیایی روستا.

۴- ترمیم راههای مناطق روستایی و تأمین وسایط نقلیه مناسب برای حمل و نقل روستاییان و تولیدات کشاورزی آنان.

۵- ایجاد مراکز فرهنگی مناسب مانند دبستان در روستاها و دبیرستان در مراکز بخش و دانشگاه در شهرهای دور افتاده و محروم نزدیک روستاها.

۶- اعمال سیاستهای تشویقی در زمینه دادن اعتبارات کافی برای فعالیتهای اقتصادی و صنعتی در شهرهای دور افتاده و محروم و ایجاد انگیزه‌های لازم برای شرکت مردم در طرحهای اقتصادی و صنعتی در شهرهای دور افتاده.

- ۷- اعمال سیاستهای تشویقی در زمینه دادن زمین و وامهای طولی‌مدت با بهره کم برای ایجاد مسکن در شهرهای دور افتاده و ایجاد انگیزه برای هدایت جمعیت از شهرهای شلوغ و پرجمعیت به این مناطق.
- ۸- ایجاد امکانات اشتغال در شهرهای دور افتاده و محروم با تأسیس کارخانه‌های مفید برای منطقه‌ها با توجه به مواد اولیه مورد نیاز هر کارخانه.

یادداشتها

- ۱- دکتر منصور وثوقی ، سیاستهای توزیع جغرافیائی جمعیت ، نامه علوم اجتماعی ، دوره جدید ، شماره ۱ ، جلد اول ، پائیز ۶۷-۱۳ ، صفحه ۱۲۰ .
- 2- A.S.Obera, An Overview of Migration, influencing Policies and programes in A.S. Oberai, ed state Policies and internal Migration, London & Canbera, New York storation Press 1983.
- 3- Deshpande ,Sudha, Migration to Bombay: Problems and Policies,Population Policies Prespectives in developing Countries, Bombay, Himalaya Publishing house, 1983.
- 4- K. Srinivasan,P.C.Saxena, T. Kanitkar, Child of India, International Institute for Population Studies, Himalaya publishing House, Bombay, 1980
- 5- Expectation of Life at Birth.
- 6- World Bank, World development reports, Washington D.C. Jun 1990, PP. 238-239.
- ۷- مأخذ ۱ ، صفحه ۱۲۱ .
- 8- Ashish Bose, et al., Population in Indian's Development, 1974-2000, Vikas Publishing House, P.V.T., L.T.D., Dhi, Bombay, Banglore, Kanpur.
- 9- J.R.Rele & Tara Kanitkar, Fertility and Family Planning in Greater Bombay, International Institute for Population studies . Popular Perkashan, Bombay, 1980, P.7.
- 10- World Bank, loc.cit., in footnote 6, PP. 238-239.
- 11- Ibid. PP. 230-239.
- 12- Population Density.
- 13- Egin E. Bergel, urban sociology, New york: McGraw-Hill Book company, 1955, P.6.

1- 4Muller Lyer, inCordon Erickson,s urban Behaviar, New york: **The Macmillan Company**, 1954, P. 18.

15- W. Sombart , loc.cit, in Footnote 13, P. 7.

16- Ibid.

۱۷- سالنامه آماری کشور ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸،

صفحه ۲۴.

18- World Bank, Loc.cit.، in Footnote 6، P. 238.

۱۹- اکثر کشورهای در حال توسعه در قاره آسیا و افریقا دارای رشد طبیعی سالانه بیش از ۲ درصد و میزان موالید بیش از ۴ در هزار می باشند.

۲۰- این رقم گرچه برآورد سازمان ملل است، ولی از رقم واقعی پائین تر بنظر می رسد و دلیل آن دخالت دادن وضعیت تهران در فاصله زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ می باشد که وضعی غیر عادی بوده است.

۲۱- مأخذ ۱، صفحات ۱۳۰-۱۳۱.

منابع فارسی

- ۱- دکتر حبیب‌اله زنجانی و فریدون رحمانی ، راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵-۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.
- ۲- دکتر منصور وثوقی، سیاستهای توزیع جغرافیایی جمعیت، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱، جلد اول، پاییز ۱۳۶۷، صفحات ۱۱۹-۱۴۸.
- ۳- دکتر حسین ادیبی، تعریف شهر، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲، آذرماه ۱۳۵۵، صفحات ۲۲-۳۳.
- ۴- محمد علیزاده و کاظم کازرونی، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳، ۱۹۱ صفحه.
- ۵- کلارك، جغرافیای جمعیت و کشورهای درحال توسعه، ترجمه بهرام بیگی، انتشارات سهاب، ۱۳۵۴.
- ۶- سالنامه آماری کشور ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸، ۵۱۰ صفحه.
- ۷- دکتر وارتنکس نهاپتیان و حبیب‌اله خزانه، میزانهای حیاتی ایران، دانشکده - بهداشت، ۱۳۵۶.
- ۸- دکتر ژاله شادی طلب، سروری بر مهاجرت از روستا به شهر، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، اسفندماه ۱۳۶۶، ۹۶ صفحه.
- ۹- کاظم کازرونی، بررسی مهاجرت‌های داخلی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، مردادماه ۱۳۶۱.
- ۱۰- دکتر محمد تقی شیخی، مقدمه‌ای بر مبذای جمعیت‌شناسی، نشر آرام، پاییز ۱۳۶۸، ۱۶۲ صفحه.
- ۱۱- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، جزوه کل کشور، ۱۳۳۵، ۴۹۳ صفحه.
- ۱۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، جزوه کل کشور، ۱۳۴۵.

۱۳- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه ،
جزوه کل کشور، ۱۳۵۰، ۱۵۷ صفحه.

۱۴- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه،
نتایج تفصیلی کل کشور، ۱۳۶۰، ۲۹۰ صفحه.

منابع خارجی

- 1- Khan AA. Rural-Urban Migration and Urbanization in Bangladesh, *Geographical Review*, 1982 oct. 72(4): 379-94.
- 2- Chang SD. Modernization and Urbanization problems in china Hong kong, Chinese Univ.of Hong kong, Dept. of Geography and Geographical Research centre, 1982.
- 3- Goldstein, Sidney, Goldestein Alice, Population movement, labour force absorption , and Urbanization in china, *Annals of the American Academy of political and social science* Vol. 476, 1984, P. 90-110.
- 4- Deshpande, Sudha, Migration to Bombay: problems and policies, population policies prespectives in developing countries, Bombay, Himalaya publishing house, 1983. PP. 42-270.
- 5- Mohan, Rakesh, The economics determinants of Urbanization: The reginal pattern of Urbanization in india explained , world Bank, washington D.C.1984. Naraynaswamiss, City size distribution as a probability process, *Demography India*, 1983 Jun: 12(1) 16-37.
- 7- Reza Moonis. Mahmood Aslam, Urbanization and redistribution of Population in reginal space: a case study of India, Nagoya, UNCRD working paper no. 82-5. 1982. 28 P.
- 8- Sarin, M. Urban planning in the third world: The chandigarh experience, London: Mansell, 1982. 266P.
- 9- N.A. Migration , Urbanization and development in Indonisa, comparative study on Migration, Urbanization and development, in the ESCAP Region, Country Report No. 3 Cst (ESCAPL 169): 19 Al. 202 P.
- 10- Population Growth survey, statistical centre of Iran, plan and Budjet

- Organization, Final Report, 1973-1976, serial No. 777, June 1978, PP. 114.
- 11-Shishido H. Economic growth and Urbanization : a study of Japan, International Regional science Review, 1982 Oct. 7(2) 175-9, 242-5, 247.
- 12- United Nations, Population Distribution policies in Development planning, a paper of United Nations UNFPA WORKSHOP, BANGKOK, 4-13 September 1979, 205p.
- 13- United Nations, Migration, Urbanization and Development in Srilanka , Country Report, 1980, 143p.
- 14- United Nations, Report and Selected papers of the Regional seminar on ecological implications of rural and Urban population growth , Bangkok, Thailand (25 August - 3 September 1971), 191P.
- 15- United Nations, Modelling Economic and Demographic development, Asian population Studies series No. 54, 247 P.
- 16- United Nations, Demographic Year book, 1979.
- 17- United Nations. Demographic year book, 1989.
- 18- World Bank. World Development Reports, Washington D.C. Jun 1990.